

Re-Interpreting Citizenship Rights in the Context of Iranian Modernity: A Case Study of "Yek-Kalameh" Treatise

Salar Ajtahednejad Kashani¹

Abstract

Background and aim: According to the theory of Multiple Modernities, Western modernity is reinterpreted in non-Western cultures and civilizations, and it paves the way for the creation of diverse modernities in different cultures. Since the confrontation with the modern West, the Iranian elites have tried to present an Iranian and Islamic interpretation of various elements of Western modernity. Citizens' rights, as one of the main components of modernity, have been re-interpreted in Iran. The purpose of this article is to understand the quality of the re-interpretation of citizenship rights in the "one word" (Yek-Kalameh) treatise by Mostasharoddoleh and identify the cultural schemas used in this re-interpretation.

Method: In this article, the qualitative content analysis method has been used to study the text of Yek-Kalameh.

Findings: Analyzing the content of the text, suggests that the author refers to all three civil, social and political rights. The author has tried to explain and justify any of these rights using a cultural schema in the Islamic tradition, and to show the citizenship rights are not incompatible with Islamic law. The schemas used in the text, often refer to the Quran verses and the hadiths.

Conclusion: Iranians have re-interpreted citizenship rights, as well as other components of modernity, in the cultural and historical context of Iran. In this redefinition process, new meanings were attributed to the principles of citizenship rights that were not in the original meaning of Western citizenship rights, and as a result, the understanding of Iranian audience of the treatise on citizenship rights, inevitably, was different from the understanding of the citizens of the Western countries of them.

1. Postdoctoral researcher of Sociology, Department of Sociology, Faculty of social sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: salarkashani@gmail.com

Keywords

Citizenship Rights, Multiple Modernities, Iranian Modernity, Mostasharoddoleh, Cultural Schemas

Please cite this article as: Kashani SA. Re-Interpreting Citizenship Rights in the Context of Iranian Modernity: A Case Study of "Yek-Kalameh" Treatise. Iran J Med Law 2018; 12(46): 93-114.

بازتفسیر حقوق شهروندی در بستر مدرنیته ایرانی:**مطالعه موردی رساله «یک کلمه»**سیدسالار اجتهدنژاد کاشانی^۱**چکیده**

زمینه و هدف: بر اساس نظریه مدرنیته‌های چندگانه، مدرنیته غربی در فرهنگ‌ها و تمدن‌های غیر غربی مورد بازتفسیر قرار می‌گیرد و زمینه ایجاد مدرنیته‌های متکثر در فرهنگ‌های مختلف را به وجود می‌آورد. نخبگان ایرانی نیز از زمان رویارویی با غرب مدرن کوشیده‌اند تفسیری ایرانی و اسلامی از عناصر مختلف مدرنیته غربی ارائه دهند. حقوق شهروندی نیز، به عنوان یکی از اجزای اصلی مدرنیته، در ایران مورد بازتفسیر قرار گرفته است. هدف این مقاله فهم کیفیت بازتفسیر حقوق شهروندی در رساله «یک کلمه» نوشته مستشارالدوله و شناسایی طرح‌واره‌های فرهنگی به کاررفته در این بازتفسیر است.

روش: در این مقاله از روش تحلیل محتوای کیفی برای مطالعه متن رساله یک کلمه استفاده شده است.

یافته‌ها: تحلیل محتوای متن رساله «یک کلمه» حاکی از اشاره نویسنده به هر سه قسم حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی است. نویسنده کوشیده است هر یک از این حقوق را با استفاده از یک طرح‌واره فرهنگی موجود در سنت اسلامی تبیین و توجیه کند و عدم تباین این اصول را با شرعیات اسلامی نشان دهد. طرح‌واره‌های به کار رفته، اغلب به آیات قرآن احادیث و سیره پیامبر اسلام و معصومین ارجاع دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: ایرانیان حقوق شهروندی را، همچون دیگر عناصر تشکیل‌دهنده مدرنیته، در بستر فرهنگی و تاریخی ایران مورد بازتفسیر قرار داده‌اند. در این فرایند بازتفسیر، معانی تازه‌ای به اصول حقوق شهروندی نسبت داده شد که در بستر اولیه شکل‌گیری حقوق شهروندی (غرب) وجود نداشتند و در نتیجه دریافته‌هایی که مخاطبان فارسی‌زبان این رساله از حقوق شهروندی پیدا می‌کردند، ناگزیر دریافته‌هایی متفاوت از فهم شهروندان ممالک غربی از حقوق شهروندی بود.

۱. پژوهشگر پسادکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: salarkashani@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۵/۲۴

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، مدرنیته‌های چندگانه، مدرنیته ایرانی، رساله یک کلمه، طرح‌واره‌های

فرهنگی

مقدمه

نهاد شهروندی را باید جزئی اساسی از مجموعه نهادهایی دانست که منظومه نهادی جامعه مدرن را می‌سازند و از این رو پیوند نزدیکی با پدیده‌های مدرنی همچون شهرنشینی و دولت - ملت دارد (۱). برخی از صاحب‌نظران نهادمندشدن شهروندی را از شروط لازم برای تحقق مدرنیته سیاسی دانسته‌اند (۲). از حیث تاریخی، می‌توان ریشه مفهوم شهروندی را تا یونان باستان پی گرفت (۳)، اما حقوق شهروندی مدرن ریشه در تحولات سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب‌های دموکراتیک فرانسه و آمریکا دارد. به عبارت دیگر حقوق شهروندی به عنوان یکی از مظاهر مدرنیته، نخستین‌بار در غرب پدیدار شده و پس از آن به جهان غیر غربی اشاعه یافته است (۴).

پدیده شهروندی در بسترهای مختلف اجتماعی صورت‌هایی متفاوت یافته است. ترنر با تأکید بر این که «شهروندی نه مفهومی واحد و یکپارچه، بلکه بازتاب‌دهنده تفاوت‌های ژرف در تجربه‌های تاریخی مشارکت سیاسی است»، به سه تجربه تاریخی متفاوت از شهروندی اشاره کرده است: سنت بریتانیایی، سنت آمریکایی و سنت اروپایی (۱).

بیرون از جغرافیای فرهنگی غرب، در بسترهای فرهنگی و تمدنی مختلف جهان، مدرنیته و اجزای گوناگون آن - از جمله حقوق شهروندی - در معرض بازتفسیرهای گوناگون قرار گرفته‌اند و زمینه‌ای برای شکل‌گیری «مدرنیته‌های چندگانه» فراهم کرده‌اند (۵). بنابراین باید از تکثر روایت‌های فرهنگی در تفسیر مدرنیته - و لاجرم در تفسیر حقوق شهروندی - سخن گفت.

هدف این مقاله شناسایی و فهم روایتی خاص از بازتفسیر مقوله حقوق شهروندی در مراحل آغازین مواجهه ایرانیان با غرب مدرن است. نخبگان ایرانی - همچون عاملان فرهنگی و اجتماعی برخی از دیگر ممالک شرقی - پس از رویارویی با دستاوردهای - به زعم آنان - شگفت‌انگیز غرب، کوشیدند هموطنان خود را با ابعاد مختلف فرهنگ مدرن آشنا کنند و در این راه ناگزیر بودند مفاهیم ناآشنای جدید را در قالب عناصر و طرح‌واره‌های آشنای فرهنگ بومی بریزند (۶). حاصل این کوشش‌ها طرح تفسیرها یا روایت‌های تازه‌ای از مفاهیم فرهنگ مدرن، از جمله حقوق شهروندی بود.

تدوین و انتشار «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی یکی از نقاط عطف تاریخ حقوق شهروندی است (۴). در سال ۱۸۷۱ میلادی یکی از نخبگان سیاسی ایرانی

با نام «میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی» کوشید با ارائه تفسیری اسلامی، هموطنان خود را با اصول این اعلامیه آشنا کند. کار او یکی از منابع مهم آگاهی ایرانیان از حقوق شهروندی و از جمله آثار روشنگری بود که فضای فکری و فرهنگی ایران را در آن زمانه، برای مشروطه‌خواهی آماده ساخت.

این مقاله کوششی است برای فهم کیفیت بازتفسیر حقوق شهروندی در رساله «یک کلمه» مستشارالدوله و شناسایی مهم‌ترین طرح‌واره‌های فرهنگی‌ای که نویسنده در این رساله برای بازتفسیر اصول حقوق شهروندی به کار گرفته است.

۱- چارچوب نظری - مفهومی

در سال‌های پایانی قرن بیستم و آغازین سال‌های قرن بیست و یکم، برخی از نظریه‌پردازان اجتماعی با انتقاد از روایت غالب جریان اصلی جامعه‌شناسی از فرایند مدرن‌شدن جهان، نظریه «مدرنیته‌های چندگانه (Multiple Modernities)» را مطرح ساختند (۹-۷). آنان نسخه‌های گوناگون نظریه مدرنیزاسیون (Modernization Theory) را به دلیل نگرش تک‌خطی، تکاملی و اروپامحورانه‌اش رد کردند و با اشاره به تکثر صورت‌های نمادی و نهادی موجود در جهان معاصر، ایده همسان‌شدن جهان پس از گسترش مدرنیته به جهان غیر غربی را زیر سؤال بردند (۱۱-۱۰).

اس.ان آیزنشتاد (S.N. Eisenstadt)، یکی از نظریه‌پردازان برجسته این رهیافت، بر آن بود که برنامه فرهنگی مدرنیته پس از شکوفایی نخستینش در اروپای غربی به فراسوی مرزهای این منطقه گسترش یافت و در بسترهای فرهنگی و تمدنی مختلف در معرض بازتفسیرهای گوناگونی قرار گرفت. حاصل این فرایند شکل‌گیری تکثری از صورت‌های فرهنگی و نهادی مدرن بود که مدرنیته‌های چندگانه جهانی را به وجود آورد و سبب شد مدرنیته در هر بستر فرهنگی و تمدنی به شکلی متمایز متبلور شود (۵، ۷، ۱۲-۱۱).

عاملان فردی و جمعی در جوامع غیر غربی برای بازتفسیر عناصر برنامه فرهنگی مدرنیته، ناگزیر از طرح‌واره‌های فرهنگی بومی یاری می‌جستند. طرح‌واره‌های فرهنگی در این مقاله آن دسته از عناصر فرهنگی قدیمی و آشنا در فرهنگ ایرانی یا اسلامی ارجاع دارد که عاملان فردی آن‌ها را مورد بازتفسیر و بازتعریف قرار می‌دهند و با کمک آن‌ها می‌کوشند عناصر مختلف مدرنیته غربی را در بستر فرهنگ بومی معنادار سازند. به عبارت دیگر طرح‌واره‌های

فرهنگی آن دسته از عناصر فرهنگی از پیش موجود در فرهنگ ایران‌اند که مبنا و اساسی را برای معرفی و ترویج عناصر فرهنگی جدید و ناموجود سیاسی فراهم می‌کنند. شناسایی این طرح‌واره‌های فرهنگی در عمل عاملان مدرن ایرانی اهمیت اساسی دارد. مواجهه عاملان ایرانی با غرب مدرن، آنان را در موقعیتی بدیع و ناآشنا قرار می‌دهد. فهم این موقعیت و عمل در آن برای عاملان تنها می‌تواند به دو شیوه محقق شود: عاملان یا ناگزیر از استفاده خلاقانه و نوآورانه از همان طرح‌واره‌های فرهنگی آشنای گذشته هستند - که در این صورت نقش و اهمیت طرح‌واره‌های فرهنگی آشکار است - یا می‌کوشند طرح‌واره‌های فرهنگی جدیدی برای فهم و عمل در این موقعیت بدیع از دیگران (در اینجا «غرب») بیاموزند. در حالت دوم که شباهت بسیاری به عمل ترجمه از زبان بیگانه به زبان بومی دارد، نیز عاملان ناگزیرند برای قابل فهم ساختن طرح‌واره‌های فرهنگی تازه از طرح‌واره‌های فرهنگی موجود استفاده کنند، به این ترتیب که معانی تازه‌ای به طرح‌واره‌های فرهنگی موجود نسبت دهند یا روابط تازه‌ای میان آن‌ها برقرار سازند. این هر دو حالت در واقع یک عمل واحد، یعنی عاملیت خلاقانه کنشگران در محدوده و با استفاده از طرح‌واره‌های فرهنگی موجود است (۶، ۱۳).

حقوق شهروندی یکی از دستاوردهای تجربه غربی مدرنیته به شمار می‌رفت که بر اساس مفروضات نظریه مدرنیته‌های چندگانه، می‌توانست در بسترهای فرهنگی و تاریخی متفاوت در معرض بازتفسیرهای گوناگون قرار گیرد (۱۴). تدقیق مفهوم حقوق شهروندی و مشخص ساختن ابعاد تشکیل‌دهنده آن نیز برای رسیدن به اهداف این مقاله ضرورت دارد. یکی از شناخته‌شده‌ترین روایت‌ها از چیستی شهروندی، نظریه تی.اچ. مارشال درباره این مفهوم است. از نظر او مفهوم شهروندی به عضویت در یک اجتماع سیاسی دلالت دارد که به عنوان یک دولت منطقه‌ای یا ملی سازمان یافته است. همه کسانی که به عنوان عضو اجتماع سیاسی شناخته می‌شوند، در حقوقی که این جایگاه به آن‌ها می‌دهد، با هم برابرند (۱۵). او شهروندی را دربردارنده سه نوع حقوق می‌داند: حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی. حقوق مدنی عبارت از حفظ آزادی‌های فردی شامل آزادی شخصی، آزادی بیان، اندیشه و عقیده، حق مالکیت شخصی، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت است. حقوق سیاسی دربردارنده حق رأی، حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی است که با گسترش حق رأی عمومی برای همه افراد بالغ ارتباط دارد. حقوق اجتماعی نیز از نظر او شامل حق

برخورداری از حداقلی از رفاه اقتصادی، امنیت و خدمات اجتماعی است. حقوق اجتماعی با ایجاد و توسعه نهادهای دولت رفاه همچون نظام ملی آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی گسترش یافتند (۱۶).

هدف از طرح مباحث فوق تبیین و تدقیق دو مفهوم اصلی مورد توجه این مقاله بود. بر این اساس مراد از مدرنیته ایرانی در این مقاله، بازتفسیر ایرانیان از اصول و عناصر مدرن است که خود زمینه‌ساز شکل‌گیری نهادهای جدید در ایران را فراهم می‌کند. در این برداشت، مدرنیته ایرانی را می‌توان یکی از انواع مدرنیته‌های چندگانه جهانی دانست (۶). حقوق شهروندی نیز در مقاله حاضر به مجموعه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی‌ای اطلاق می‌شود که با عضویت افراد در یک اجتماع سیاسی مدرن به آن‌ها تعلق می‌گیرد. حقوق شهروندی به عنوان یکی از عناصر مهم مدرنیته غربی در بستر فرهنگی ایران، در معرض بازتفسیرهایی با محوریت طرح‌واره‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی قرار داشته است.

روش

در این مقاله برای تحلیل متن رساله یک کلمه از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. از میان راهبردهای مرسوم در این روش، تحلیل محتوای مضمونی (Thematic content Analysis) مبنای تحلیل متن قرار گرفته است. در این راهبرد مضامین غالب در متن در قالب کدها طبقه‌بندی می‌شوند و به جای شمارش فراوانی واژه‌ها، تلاش می‌شود معانی مستتر در متن مورد شناسایی قرار گیرند (۱۷). در تحلیل مضمون‌های مربوط به انواع حقوق شهروندی از شیوه کدگذاری قیاسی استفاده می‌شود و بر این اساس مضامین در سه مقوله حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند. در تحلیل مهم‌ترین طرح‌واره‌های اسلامی به کاررفته در بازتفسیر این حقوق از روش کدگذاری استقرایی استفاده می‌شود (۱۹-۱۸). واحد ثبت در این پژوهش مضمون است. به عبارت دیگر کوچک‌ترین واحدهایی که مورد تحلیل و رمزگذاری قرار می‌گیرند، مضامین آشکار یا پنهان موجود در متن هستند. واحد زمینه نیز کل متن در نظر گرفته شده است.

۱- تحلیل متن

میرزا یوسف خان مستشارالدوله، رساله‌اش را با شرح آشنایی خود با اوضاع «فرنگستان» می‌آغازد و با ذکر حیرتش از نظم و ترقی آن، بر کوتاه‌نگری بعضی که نظم و ترقی فرنگستان را ناشی از فروعاتی همچون علوم و صنایع می‌دانند، خرده می‌گیرد «که این‌ها از نتایج است نه مقدمات» و در نهایت می‌گوید که «بنیان و اصول نظم فرنگستان» تنها «یک کلمه» است که همان «کتاب قانون» باشد. نویسنده بلافاصله اشاره می‌کند که مقوله کتاب قانون در فرهنگ ایرانیان امری ناشناخته نیست و کتب قوانین فقهی و شرعی در میان ایرانیان نیز رواج دارد، اما تفاوت‌هایی میان این دو قانون هست. از نظر او مهم‌ترین تفاوت «آن است که کود (مقصود Napoleonic Code یا مجموعه قوانین مدنی کشور فرانسه است) فقط مصالح دنیوییه را شامل است، چنانکه به حالت هر کس از هر مذهب و ملت که باشد موافقت دارد و امور دینییه را کتاب مخصوص دیگر هست، اما در کتاب شرعی مسلمانان، مصالح دنیا به امور اخرویه، چون صلات و صوم و حج مخلوط و ممزوج است، فلهدذا برای سیاست عامه ضرر عظیم دارد.» او سپس به ترتیبات تدوین این قوانین اشاره‌ای می‌کند و بر نقش کلیدی مجالس «دیوان سنا» و «دیوان وکلای ملت» در تدوین تصویب قوانین تأکید می‌کند و می‌گوید «این قاعده به آیه کریمه «وامرهم شوری بینهم؛ کار آنان، به صورت شورا میانشان جریان دارد» موافق است و قضیه امتحان و تدقیق و مباحثه وکلای ملت، به فرمان عالی «فاعتبروا یا اولی الابصار؛ ای صاحبان دیده پند گیرید»، مطابقت تمام دارد و حسن این ترتیب، در عقول سلیمه محل انکار نتواند شد.» به این ترتیب در خصوص قانونی که خود مردم برای خود تدوین و تصویب نموده‌اند «عدم مطاوعت، محال» خواهد بود (۲۰).

مستشارالدوله نتیجه می‌گیرد که وجود این تفاوت‌ها میان قانون فرنگستان و قانون شرع در ایران سبب شده است که در آن ممالک «شخصی مطلق‌التصرف نیست»، یعنی هیچ کس نمی‌تواند به شیوه‌ای «خودرأی و خودسر» اقدامی کند یا حکمی بدهد «مگر موافق آنچه در قانون نوشته شده» است و اشاره می‌کند که این محدودیت‌گذاشتن بر خواست انسان‌ها و به ویژه حاکمان موافق روح اسلام است، چنانکه در آیه ۳۶ سوره قیامت گفته شده است «أَيُّحَسْبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرُكَ سُذًى؛ آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده به خود واگذار شده است» و این عامل جلوگیری از ستم انسان‌ها به یکدیگر خواهد بود. مستشارالدوله با وجود آنکه قانون فرنگستان را

بنیان نظم و ترقی آن می‌داند، اما توصیه نمی‌کند که «کود فرانسه یا سایر دول را برای خودتان استنساخ کرده معمول بدانید.» به عبارت دیگر او موافق تدوین قوانینی مطابق اوضاع و نیازهای دولت و ملت ایران است و می‌گوید که می‌توان چنین قوانینی را «خصوصاً در دیوانی که اجزای آن از رجال دانش و معرفت و ارباب حکمت و سیاست باشند. همه کتب معتبره اسلام را حاضر و جمله کودهای دول متمدنه را جمع کنند؛ در مدت قلیل کتابی جامع نویسند، چون کتابی چنین مقبول عقلایی ملت نوشته شود و به دستخط همایون شاهنشاه برسد و حفظ آن به عهده مجلس مخصوص مستقل سپرده شود، لامحاله وظیفه دولت و ملت بر قانون می‌باشد. یک کلمه که من گفتم این است و تدوین چنین کتابی به طریق مذکور، یعنی بر وجه مذاکره و مشاوره در نزد اسلام نامسبوق نیست» (۲۰).

او سپس تأکید می‌کند که اگر در «اصول قوانین» دولت‌های مترقی بنگریم، هیچ یک از این اصول را منافی روح اسلام و قرآن نخواهیم یافت. ادامه رساله یک کلمه توضیح مصادیق برخی از اصول قوانین فرانسه و تطبیق آن با روح اصول اسلامی است (۲۰).

مستشارالدوله در اینجا به نکته مهمی اشاره می‌کند و می‌گوید که مقصود او «تجسس و تفتیش در اجزای کودهای فرانسه» نیست. او بررسی «فروع» قانون را بی‌حاصل می‌داند، چراکه برای مکان و زمان مشخصی تدوین شده‌اند و قابل تغییر هستند. مقصود اصلی او مطالعه «روح دائمی کودهای مزبوره و جان جمله قوانین فرانسه» است. بنابراین هدف میرزااحسین‌خان معرفی اصول کلی و روح قانون فرانسه (که همان حقوق بشر باشد) و سپس توضیح موافقت این اصول با روح اسلام بوده است. روح‌الاسلام نام دیگر رساله یک کلمه و عنوانی است که میرزا در ابتدا برای آن انتخاب کرده بود (۲۰).

مستشارالدوله در ادامه به شرح این اصول اساسی می‌پردازد که همان اعلامیه حقوق بشر و شهروند است. این اعلامیه که در مقدمه قانون اساسی فرانسه آمده است، مشتمل بر هفده اصل است اما «میرزایوسف‌خان با اجتهاد در «اصول کبیره و اساسیه» هفده‌گانه آن، اصول اعلامیه را در نوزده «فقره مندرج» یافته... و آنگاه آن اصول را با برخی از احکام کلی شرع تطبیق کرده است» (۲۰).

مورد اول به تساوی همه، «اگرچه مدعی و مدعی علیه ذات امپراتور باشد»، در «اجرای قانون» اشاره دارد. متشارالدوله برای اثبات این اصل با روح اسلام به ذکر دو مورد از سیره

پیامبر و امام علی، چند آیه از قرآن (آیه ۵۸ سوره نساء، آیه ۹۰ سوره نحل، آیه ۱۵۲ سوره انعام، آیه ۴۲ سوره مائده) و نیز استدلالی عقلی در این خصوص می‌پردازد (۲۰). او با استناد به این مواد، «رعایت عدل و قسطی را که در حکمیت میان افراد توصیه شده است، به برقراری «مساوات» میان آن‌ها تفسیر می‌کند» (۲۱).

فقره دوم مربوط است به لزوم بهره‌مندی دولت از خدمات همه آنان که به کسب «فضل و علم» مقتضی همت کرده‌اند. در این زمینه نیز مستشارالدوله به آیاتی از سوره حجرات، هود، آل عمران و... و نیز احادیثی از امام علی اشاره کرده است که بیشتر به تقدم فضل و علم و تقوا بر اصل و نسب تأکید دارند (۲۰).

اصل سوم از رساله یک کلمه مربوط به «حریت شخصیه» است که به گفته طباطبایی (۲۱) معادلی در اعلامیه حقوق بشر ندارد (همانطور که گفته خواهد شد، رساله یک کلمه رونویسی یا ترجمه لفظ به لفظی از اعلامیه حقوق بشر نیست و به قول طباطبایی، میرزا یوسف‌خان نوزده اصل از مواد این اعلامیه را «به اجتهاد خود» استخراج کرده و آن‌ها را «جان همه قوانین» دانسته است). او در این بخش می‌نویسد «احدی را درون خانه کسی حق دخول و تجسس نیست و هیچ کسی را به گناه دیگری عقوبت نمی‌توان کرد و کسی را با ظن مجرد نمی‌توان گرفت و حبس نمود و احدی را بدون حکم قانون جریمه و تنبیه و سیاست نمی‌توان کرد» و این را نیز «کانه قانون اسلام» می‌داند که در آیاتی از سوره حجرات، نور و بقره به آن اشاره شده است (۲۰).

مستشارالدوله در فقره چهارم به «امنیت جان و عرض و مال» پرداخته و آیاتی مجزا از قرآن در نهی قتل (آیه ۳۲ سوره مائده، آیه ۳۳ سوره اسراء، آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره)، در حفاظت از عرض و ناموس (آیاتی در خصوص مردان و زنان زناکار در سوره نور و فرقان) و در ذکر اهمیت تأمین امنیت مال (حد سارق در آیه ۳۸ سوره مائده) آورده است (۲۰).

فقره پنجم که می‌گوید «مدافعه ظلم هر کس را واجب است»، در واقع به مسأله آزادی بیان در برابر ستم قدرتمندان اشاره دارد. او در اهمیت این فقره می‌نویسد «هر که به نظر بصیرت بنگرد، اغلب خوبی‌ها و آسایش و آبادی و امنیت فرنگستان از وجود این قانون است» و در توضیح فواید آن می‌گوید «هر کس از اعلی و ادنی، هر چیزی که در خیر و صلاح و رفاه مملکت و ملت به خیالش برسد، با کمال آزادی می‌نویسد و منتشر می‌کند. اگر خیال و تصورات او

مقبول امت باشد، تحسین و در صورت عکس، منع و تقبیح خواهند کرد.» او در اثبات عدم ناسازگاری این اصل با روح اسلام از جمله به آیه ۱۰۴ سوره آل عمران اشاره می‌کند که آیه‌ای است درباره فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» (۲۰).

فقره ششم مربوط به آزادی مطبوعات است که به گفته میرزاحسین خان مطالب آن‌ها را یا در موضوع «علوم و معارف» دسته‌بندی می‌کند که «در شرف آن‌ها آیات و احادیث بسیار است» و یا مطالب سیاسی و اجتماعی مندرج در رسالات و روزنامه‌هاست که «آزادی مزبور داخل در امر به معروف و نهی از منکر» یا حق مدافعه مظالم است (۲۰).

فقره هفتم، آزادی مجامع، به معنای آن است که «هر فرقه و هر جماعت، هر وقت اراده کنند، در مجمعی، مخصوصاً جمع شده در مسأله‌ای از مسائل علوم، یا سیاست و افعال حکومت و یا در امر معاش خود بدون موانع، گفتگو و مباحثه می‌کنند.» مستشارالدوله در تبیین عدم ناسازگاری این فقره با روح اسلام به شرحی از سیره پیامبر اسلام اکتفا می‌کند «چنانکه اصحاب کرام هر روز در مسجد نبوی (ص) فرقه‌فرقه اجتماع کردند و از آن حضرت چندین مسائل خفیه استفسار و استیضاح نمودندی» (۲۰).

مورد هشتم همه تدابیر حکومت را در اختیار ملت و موکول به قبول آنان دانسته است. «این کلمه از جوامع‌الکلم است و در نزد صاحبان عقول مرتبه صحتش را حاجت تعریف نیست.» مستشارالدوله در تبیین سازگاری این اصل با روح اسلام از دو آیه کمک گرفته است. یکی آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» و دیگری آیه ۱۵۹ سوره آل عمران که هر دو بر ارزش و اهمیت شور و مشورت دلالت دارند (۲۰).

فقره نهم مربوط به حق انتخاب و کلا برای مردم و «مداخله عظیم» آنان در «بحث و تدقیق افعال حکومت» است. میرزا در اینجا نیز برای تأیید فقره نهم از مفهوم مشورت در اسلام یاری گرفته است «این قاعده در شریعت مطهره اسلامی به باب مشورت راجع است و مشورت از قوانین اعظم اسلام است، چنانکه خدای تعالی در قرآن مجید به رسول خود امر می‌فرماید «و مشاورهم فی الامر؛ مشاورت کن در کارها با اصحاب خود»». او سپس به ذکر قرآینی از مشاوره پیامبر با اصحابش در تاریخ صدر اسلام و نقل حدیثی از امام علی در این خصوص می‌پردازد (۲۰).

فقره دهم تعیین مالیات بر حسب ثروت افراد است «و این امر از روی مساوات است نه از روی امتیاز.» نویسنده این اصل را به یاری توصیه‌های اسلام به پرداخت زکات و صدقات، در مطابقت کامل با شریعت می‌داند؛ «چنانکه در قرآن مجید و احادیث شریفه، مقدار و زمان زکات و صدقات، معین و معلوم است و فردی از این تکلیف معاف و مستثنا نیست... این قاعده بعینها مطابق شرع اسلام است، زیرا که قرآن و احادیث، ایمان را قبل از عمل تکلیف کرده و عمل را پس از ایمان، چنانکه تکلیف اول، به وجوبیت زکات و صدقات ایمان آوردن است. آنان که ایمان ندارند، زکاتشان عندالله مقبول نیست» (۲۰).

اصل یازدهم به «تحریر اصول دخل و خرج دولت و نشر آن» یا به عبارت دیگر شفافیت در مخارج دولتی راجع است. «اگر مخارج یک دولت، محرز و معلوم نباشد، تعیین مالیات بر وجه عدالت میسر نشود و مقدار احتیاج اداره‌ها، چون اداره لشکر و اداره داخله و اداره خارجه و... بدین طریق معلوم می‌شود.» نویسنده توضیح می‌دهد که «در ممالک اسلام»، چون اهالی از مخارج دولت خبر ندارند، «چنین پندارند که بدهی آن‌ها به هوی و هوس حکم‌داران صرف می‌شود» و از این روست که مردم از پرداخت مالیات می‌گریزند و به این ترتیب «اهالی را خوف و مسکنت و هتک ناموس و فرار عارض گردد و اخلاق شجاعت و بسالت و علو همت آن‌ها مرده شود.» تأکید میرزا در این فقره بر آگاهی‌رسانی دولت برای مردم است و برای نشان دادن عدم ناسازگاری این اصل با اسلام از روایت «... فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمُ الْغَائِبَ» از پیامبر در اشاره به اهمیت «تبلیغ و تفهیم» کمک می‌گیرد و می‌گوید که پیامبر نیز در خطبه‌های خود پس از هر جمله از مستمعین می‌پرسید که «آیا منظور خود را رسانیدم» و اگر آن‌ها پاسخ مثبت می‌دادند، گفتار خود را ادامه می‌داد (۲۰).

فقره دوازدهم بر مسؤول بودن «هر وزیر و حاکم در مأموریت خود» دلالت دارد و می‌گوید که شریعت اسلام حتی «ذات پیغمبر (ص) را از تکلیف استثنا نموده» و در تأیید بیان خود حدیث «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» را ذکر کرده است (۲۰).

فقره سیزدهم مربوط به اصل تفکیک قواست و مستشارالدوله می‌گوید مقصود از این اصل «آن است که وضع و تنظیم قوانین در اختیار مجلسی باشد و تنفیذ و اجرای آن در دست مجلس دیگر، چنانکه آن مجلس هیچ گونه بیم و امیدی از این مجلس نداشته باشد، تا که هر یک از دو مجلس ودیعه خود را به استقلال و آزادی تمام حفظ توانند کرد.» مستشارالدوله در

موافقت این اصل با اسلام استدلال می‌کند که «در ایام پیشین، مجتهد و مفتی در وظیفه خود، والیان و محتسبان در وظیفه اجرا و تنفیذ مستقل بودند، اگرچه تنظیم قانون و تنفیذش در حقیقت، به مرجع واحد، یعنی به وحدت امامت مربوط است، ولی در ترتیب، تفریق واجب است» (۲۰).

اصل پانزدهم به لزوم وجود هیأت منصفه در محاکمات اشاره دارد و مستشارالدوله در تطبیق این اصل با اسلام باز به اصل مشورت بازمی‌گردد و ضمناً به مطالبی از شیخ طوسی در کتاب قضا ارجاع می‌دهد که در آن بر حضور تعدادی از علما از مذاهب مختلف در دادگاه تأکید شده است (۲۰).

فقره شانزدهم نیز مربوط است به اعلان عمومی «مذاووات سیاستیه و حوادث جناییه و مخاطبات رسمیه وکلای ملت در روزنامه‌جات دولتی» و میرزا یوسف‌خان اشاره می‌کند که اصول مطابقت این فقره با شرع همان است که در فقره یازدهم شرح داده شد (۲۰).

اصل هفدهم بر عدم شکنجه و تعذب دلالت دارد و مستشارالدوله در باب آن می‌نویسد: «مادام که هر گناهی را در کتاب قانون جزای مخصوص و معین موجود است، تعذیب جانی برای اقرارگرفتن و به بهانه‌های دیگر غیر ممکن است و جزای هر تقصیر، قبل از وقت در کتاب قانون معین است و احدی از حکام و امرا و سران لشکر، جرأت و قدرت ندارند که نسبت به زیردستان خود بدون حکم قانون، به هوای نفس به جهت اقرارگرفتن یا سبب‌های دیگر که محض ظن باشد، چوبی بزنند یا شکنجه بکنند یا فحش بگویند، حتی در قانون ایشان چوب و تازیانه‌زدن ممنوع است و در لسان ایشان فحش و دشنام نیست. این قسم تنبیهات را خلاف شأن انسانیت است در حق اسب و استر و سایر حیوانات بارکشی هم روا نمی‌دانند.» نویسنده در سازگاری این فقره با شرع از آیه ۱۶۰ سوره انعام و آیه ۱۲۶ سوره نحل یاد کرده است. او می‌نویسد در شرع اصلی است که بر اساس آن قضاات باید تا آنجا که مقدور است «در تخفیف جزای جانی سعی نمایند» می‌گوید که «جماعت متمدنه» چنین اصلی را به کار می‌بندند «و این ترجیح و اغماض به جز ترک تجسس و شکنجه میسر نمی‌تواند شد»، هم‌چنانکه در حدیثی از پیامبر نیز آمده است «... تخفیف بدهید در اجرای حدود هر چه ممکن باشد» (۲۰، ۲۲).

فقره هجدهم در «حریت صنایع و کسب» که اشاره دارد به آزادی برگزیدن هر کسب و صنعت بدون «مانع و ملامتی»، اما «در تحت قانون» و ادله مطابقت آن با شرع «همان آثار است که در حریت مطلق وارد شده» است (۲۰).

فقره نوزدهم درباره «بنای مکتب‌خانه‌ها و معلم‌خانه‌ها برای تربیت اطفال فقرا» است. آیات و روایت اسلامی در تأیید این اصل بسیارند و از جمله مستشارالدوله به آیه ۱۱ سوره مجادله و آیه ۹ سوره زمر اشاره کرده است. میرزا می‌گوید که اگرچه مدارس در ایران برای تحصیل علوم وجود دارد، اما تحصیل علم در این مدارس «از برای معاد» است «نه از برای معاش، با این‌که پیامبر فرموده «من لا معاش له لا معاد له» (۲۰).

یافته‌ها

تحلیل محتوای متن رساله «یک کلمه» حاکی از اشاره نویسنده به هر سه قسم حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی است. نویسنده کوشیده است هر یک از این حقوق را با استفاده از یک طرح‌واره فرهنگی موجود در سنت اسلامی تبیین و توجیه کند و عدم تباین این اصول را با شرعیات اسلامی نشان دهد. طرح‌واره‌های به کاررفته اغلب به آیات قرآن احادیث و سیره پیامبر اسلام و معصومین ارجاع دارند. اهم نتایج حاصل از کدگذاری محتوای رساله در جداول ۱ تا ۳ آمده است.

نتیجه‌گیری

ایرانیان حقوق شهروندی را، همچون دیگر عناصر تشکیل‌دهنده مدرنیته، در بستر فرهنگی و تاریخی ایران مورد بازتفسیر قرار داده‌اند. نمونه مهم بازتفسیر حقوق شهروندی در آغاز رویارویی ایرانیان با غرب مدرن، رساله «یک کلمه» است. مستشارالدوله در تدوین این رساله بر آن نبود تا جزئیات «قوانین موضوعه» ای برای جاری‌شدن در امور ایران پیشنهاد کند، بلکه دریافته بود که اولاً اصلاح امور سیاسی ایران مستلزم تدوین قانون است؛ ثانیاً تدوین چنین قانونی ضرورتاً نیازمند مجموعه‌ای از اصول است. به تعبیر طباطبایی «در ایران هر کوششی برای تدوین قانون‌های خاص و ایجاد نظامی از حقوق موضوعه، لاجرم، باید مبتنی بر نوعی فلسفه حقوق باشد» (۲۰). «یک کلمه» ترجمه‌ای صرف از اصول اعلامیه حقوق بشر و شهروند

نبود. میرزا با نگارش این رساله اولاً توانست هموطنانش را با برخی از اصول حقوقی، که خود آن‌ها را اصول بنیادین حاکم بر هر قانونی می‌پنداشت، آشنا کند؛ ثانیاً کوشید با بهره‌گیری از برخی عناصر فرهنگی آشنا برای ایرانیان، عناصری که در این پژوهش «طرح‌واره‌های فرهنگی» نامیده شده‌اند، این اصول را توضیح دهد و به این وسیله نشان دهد که میان روح حاکم بر اصول حقوق شهروندی، با روح اسلام تباینی نیست، بلکه روح اسلام مؤید تمامی این اصول است. او باور داشت که چاره کار ایران تدوین قانون است، اما چنانکه در ابتدای رساله بر تفاوت‌های میان قانون شرع و قانون جدید تأکید نمود، معتقد بود که قانون عرفی جدید نمی‌تواند همان قوانین فقهی و شرعی موجود در ایران باشد. به باور او قانون عرفی مورد نظرش در ایران آن روزگار وجود نداشت، چنین قانونی باید برای ایران تدوین می‌شد و او به چگونگی تدوین این قانون در ابتدای رساله اشاره کرد، اما در سراسر رساله کوشید نشان دهد که اصول عامی که باید مبانی تدوین قانون عرفی قرار گیرد، با شریعت اسلام تضادی ندارد. چنین تلاشی در ایران بی‌سابقه بود و تأثیرات به‌سزایی در جنبش مشروطه بر جا نهاد، جنبشی که خواست اصلی‌اش حاکمیت «قانون» بود.

مستشارالدوله در بازتفسیر حقوق مدنی‌ای همچون برابری در اجرای قانون، آزادی شخصی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، آزادی تجمعات، ضرورت حضور هیأت منصفه در دادگاه، رعایت حقوق متهمین و آزادی در انتخاب شغل، با استناد به آیات و روایات و سیره معصومین، از طرح‌واره‌های فرهنگی اسلامی مثل امر به معروف و نهی از منکر، شور و مشورت و توصیه به عدم تجسس در امور دیگران بهره جست. حقوق سیاسی‌ای همچون شایسته‌سالاری، مشارکت سیاسی، حق انتخاب، شفافیت دولت در امور مالی و اداری، مسؤولیت حاکمان در برابر مردم، تفکیک قوا و شفافیت را با استناد به طرح‌واره‌هایی مثل شور و مشورت، تقدم فضل و تقوا بر اصل و نسب، مسؤولیت در برابر رعیت و تفکیک بین حکم و فتوا بازتفسیر کرد و در بازتفسیر حقوق اجتماعی‌ای همچون حق برخورداری از امنیت، پرداخت مالیات و حق برخورداری از آموزش، طرح‌واره‌هایی مثل نهی قتل، توصیه به حفاظت از عرض و ناموس، تأمین امنیت اموال، پرداخت زکات و صدقات و فراگیری دانش را مورد استفاده قرار داد.

در این فرایند بازتفسیر، معانی تازه‌ای به اصول حقوق شهروندی نسبت داده شد که در بستر اولیه شکل‌گیری حقوق شهروندی (غرب) وجود نداشتند و در نتیجه دریافت‌هایی که

مخاطبان فارسی‌زبان این رساله از حقوق شهروندی پیدا می‌کردند، ناگزیر دریافت‌هایی متفاوت از فهم شهروندان ممالک غربی از حقوق شهروندی بود. این تفاوت‌ها - در کنار دریافت‌های متفاوت ایرانیان از دیگر بازتفسیرهای عناصر فرهنگ مدرن - زمینه شکل‌گیری نظم نهادی جدیدی را در ایران فراهم کرد که اگرچه با اقتباس از اصول مدرنیته سیاسی غربی پدید آمد، اما با آن یکسان نبود. آنچه مدرنیته ایرانی می‌نامیم حاصل پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم همین بازتفسیرهای مبتنی بر طرح‌واره‌های ایرانی و اسلامی است.

جدول ۱: حقوق مدنی

مقوله	توصیف مقوله در متن	طرح‌واره
برابری در اجرای قانون	مساوات در محاکمات در اجرای قانون	مساوات
آزادی شخصی	حریت شخصیه. یعنی هر کس حر و آزاد است و کسی را مجال تعرض نیست، مگر به حقوقی که در کود مذکور است.	عدم تجسس در امور دیگری/ پرهیز از گمان‌های نادرست/ عدم ورود بدون اذن به خانه دیگری
آزادی بیان	مدافعه ظلم هر کس را حق است	امر به معروف و نهی از منکر
آزادی مطبوعات و رسانه‌ها	حریت مطابع. یعنی هرکس آزاد و مختار است در نگارش و طبع خیال خود، به شرط آن که مخالف و مضر احکام کود نباشد. اگر مخالف و مضر باشد منع و ازاله ضرر واجب است.	امر به معروف و نهی از منکر
آزادی تجمعات	حریت عقد مجامع. یعنی جماعت، حر و مختار است در اجتماع، اگر مذاکرات ایشان به کود، مخالف و مضر نباشد.	اجتماع و مباحثه اصحاب در سیره پیامبر
ضرورت حضور هیأت منصفه در دادگاه	حضور زوری‌ها در حین تحقیق	شور و مشورت
رعایت حقوق متهمین	عدم شکنجه و تعذیب	تناسب عقوبت با جرم/ تخفیف جزای جانی
آزادی در انتخاب شغل	حریت صنایع و کسب	عدم تجسس در امور دیگری

جدول ۲: حقوق سیاسی

مقوله	توصیف مقوله در متن	طرح‌واره
شایسته‌سالاری	منصب و رتبه دولت برای هیچ کس ممنوع نیست، اگر اهل باشد.	تقدم فضل و علم و تقوا بر اصل و نسب
مشارکت سیاسی	اختیار و قبول عامه، اساس همه تدابیر حکومت است.	شور و مشورت
حق انتخاب	حریت سیاسی، یعنی اهالی حق دارند در انتخاب وکلا و نواب برای دیوان قانونگذار که در مقابل دیوان دولت است.	شور و مشورت
شفافیت دولت در امور مالی و اداری	تحریر اصول دخل و خرج دولت	سیره پیامبر در آگاه‌ساختن مسلمانان (تبلیغ و تفهیم)
مسئولیت حاکمان در برابر مردم	هر مأمور و حاکم، در تصرفش مسؤول است.	مسئولیت در برابر رعیت
تفکیک قوا	قدرت تشریح و قدرت تنفیذ، بالفعل منقسم باید بشود و در ید واحد نباشد، یعنی قانون جدا و مجلس اجرای قانون، جدا باشد و به هم مخلوط نباشد.	تفکیک بین حکم و فتوا
شفافیت	تشهیر مفاوضات سیاسی و حوادث جنائیه در روزنامه رسمی، یعنی هر منصب و رتبه و شغل به هر کس دادند و هر قسم تنبیه و سیاست در حق مجرمین روا دانستند، هر گونه تقریرات در مجلس مبعوثان ملت ایراد کردند، در روزنامجات رسمی آن روزی، حقیقت وقایع اعلان و انتشار یابد.	سیره پیامبر در آگاه‌ساختن مسلمانان (تبلیغ و تفهیم)

جدول ۳: حقوق اجتماعی

مقوله	توصیف مقوله در متن	طرح‌واره
حق برخورداری از امنیت	امنیت تامه بر نفس و عرض و مال مردم	نهی قتل / حفاظت از عرض و ناموس / تأمین امنیت اموال
پرداخت مالیات	تعیین مالیات و باج به موجب ثروت بلامتیاز	زکات و صدقات
حق برخورداری از آموزش	بنای مکتب خانه‌ها برای اطفال فقرا	توصیه به فراگیری علم و دانش

References

1. Turner BS. Commentary. Edited by Turner BS, Hamilton P. *Citizenship Rights: A Critical Concept*. London and New York: Routledge; 1994. Vol.1.
2. Barbier M. *Political modernity*. Translated by Ahmadi A. Tehran: Agah; 2004. [Persian]
3. Soltani N. Social rights or citizenship rights? An example of the turmoil of concepts in the legal system of Iran. *Majles and Pajooresh Quarterly Journal* 2006; 13(51): 101-117. [Persian]
4. Deylamsalehi B. The evolution of the concept of citizenship in the globalization process. *Political Sciences Journal* 2014; 29(10): 91-113. [Persian]
5. Eisenstadt SN. *Multiple Modernities*. *Daedalus* 2000; 120(1): 1-29.
6. Kashani S. *The analysis of political modernity in Iran: A case study of the formation of the first Pahlavi state*. [PhD Thesis]. Tehran: Tarbait Modares University; 2017.
7. Eisenstadt SN. *Multiple Modernities in an Age of Globalization*. *Canadian Journal of Sociology* 1999; 24(2): 283-295.
8. Kamali M. *Multiple Modernities, Civil Society and Islam: The Case Study of Iran and Turkey*. Liverpool: Liverpool University Press; 2006.
9. Kaya I. *Social Theory and Later Modernities*. Liverpool: Liverpool University Press; 2004.
10. Martinelli A. *Global modernization: Rethinking the project of modernity*. London: SAGE; 2005.
11. Fourie E. A future for the theory of multiple modernities: Insights from the new modernization theory. *Social Science Information* 2012; 51(1): 52-69.
12. Spohn W. *Political sociology: Between civilizations and modernities: A multiple modernities perspective*. *European Journal of Social Theory* 2010; 13(1): 49-66.
13. Sewell WH. *A theory of structure: duality, agency and transformation*. Edited by Spiegel GM. *Practicing history: new directions in historical writing after the linguistic turn*. New York, London: Routledge; 2005.

14. Roche M. Citizenship and Modernity. *The British Journal of sociology* 1995; 46(4): 715-733.
15. Barbalet J. Citizenship. Edited by Ritzer J. *The Blackwell Encyclopedia of Sociology*. Oxford: Blackwell; 2007. p.497-506.
16. Nash K. *Contemporary Political Sociology*. Translated by Delforooz M. Tehran: Kavir; 2006. [Persian]
17. Franzosi R. *From Words to Numbers: Narrative, Data and Social Science*. Cambridge: Cambridge University Press; 2004.
18. Mayring P. *Qualitative Content Analysis*. Forum: Qualitative Social Research; 2000. p.1. Available at: <http://www.qualitative-research.net/fqs-texte/2-00/2-00mayring-e.htm>.
19. Hariri N. *Principles and methods of qualitative research*. Tehran: Islamic Azad University; 2006. [Persian]
20. Mostasharoddoleh Y. *One Word*. Tehran: Shadegan; 2009. [Persian]
21. Tabatabaei J. *A reflection on Iran*. Tehran: Minooye Kherad; 2013. Vol.2. [Persian]
22. Moradkhani F. Formation of the Concept of the Separation of Power in Iran's Constitutional Revolution. *The judiciary law Journal* 2015; 92(1): 169-191. [Persian]